

فصلنامه پژوهش های حقوقی قانون یار

License Number: 80025 Article Cod: WS77591359 ISSN-E: 6452-2588

جایگاه نظارت در ترویج حاکمیت قانون

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۲/۱۱ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۱۶)

لیندا موثقی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تبریز

دکتر آیت مولائی

دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز

چکیده

بدون شک دو واژه نظم عمومی و حاکمیت قانون از مهمترین علائق همه نظام های حقوقی معاصر و همه دولت ها و حکومت هاست که باعث تحکیم صلح و وفاق در جوامع داخلی و بین المللی می گردد و حفاظت از آنها از بزرگترین اشتغالات همه دولت ها و مجموعه های سیاسی است در عین حال به لحاظ طبع ویژه انسان ها ضرورت دارد که هر چند وقت یکبار یا به صورت متوالی عملکرد همه دستگاه ها و نهادهای دولتی و خصوصی تحت نظارت درآمده تا همه بر محور قانون گام بردارند و داشتن سازمان های عریض و طویل نظارتی که قانون آنها را تاسیس کرده است از مهمترین گام ها برای داشتن جوامع سالم و با نشاط در همه نقاط جهان است. از سوی دیگر حاکمیت قانون موجب بهبود کارکرد همه بخش های اجتماعی شده و انسان ها یاد می گیرند که باید در اقدامات روزمره خود بایدها و نبایدهایی را رعایت کنند.



موضوع این تحقیق ارزیابی نقش نظارت در افزایش روند حاکمیت قانون در جوامع بشری است و هدف از انجام این تحقیق آشنایی با نقش ارزشمند و متعالی نظارت بر مجموعه انسانی از منظر حاکمیت قانونی بوده و روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی می باشد در عین حال نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که نظارت و کنترل امور و کارکرد و ارزیابی عملکردها می تواند باعث بهبود کارکردهای اجتماعی در کلیت خود شده و با استقرار حاکمیت قانون می توان شاهد رشد و شکوفایی شهروندان در جامعه پویا و شاداب بود.

واژگان کلیدی: حاکمیت قانون، دولت، نظارت، حکمرانی مطلوب، جوامع بشری

مقدمه

حاکمیت قانون اصطلاحی است که هم در حقوق داخلی کاربرد دارد و هم در حقوق بین الملل و در اکثر موارد حاکمیت قانون با حقوق عمومی در ارتباط تنگاتنگ می باشد چرا که اساساً حقوق عمومی به آن دسته از قواعد اطلاق می شود که بر روابط میان حکومت ها و دولت ها و کارگزارانشان با شهروندان و مردم تحت حکومت حاکم بوده و تنظیم کننده روابط نهادهای دولتی و عمومی با مردم می باشد که بیش از همه با قوای سه گانه در ارتباط است که شامل قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه می شود (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۸۲). و اینکه گفته می شود که حقوق عمومی و حاکمیت ملازم یکدیگرند کلامی درست و صحیح است زیرا هر جا که حاکمیت استقرار یافته می توان نوعی اقتدار عمومی را نظاره گر بود و چون اقتدارات، اختیارات و صلاحیت های دولت ها متکی به قانون اساسی کشورهاست بنابر طبیعی است حوزه عمل دولتها بسیار بیشتر از شهروندان است در همین راستا اساساً هدف از انجام اعمال اداری نیز



حمایت از منافع جمعی است و به همین اجرای قانون برای دولت‌ها از هر کاری مهم‌تر تلقی می‌شود. در عین حال حاکمیت قانون از آن جهت با حقوق عمومی در ارتباط تنگاتنگ است که نشان دهنده اصول حاکم بر ساختار دولت و ارتباط آنها با شهروندان است و تصمیمات متخذه توسط کارکنان دولت کاملاً و دقیقاً لازم الاجرا است مانند توجه به توصیه‌های تخصصی مقامات پلیس راه که با هدف جلوگیری از تصادف خودروها دستوراتی را صادر می‌کنند که به نفع همه رانندگان است یا اینکه شهرداری‌ها تصمیم می‌گیرند که معابر خیابانی را توسعه داده و املاکی را با رعایت قانون تملک کرده و بعد از پرداخت قیمت زمین‌ها به قیمت کارشناسی و به نرخ روز مبادرت به توسعه خیابان‌ها می‌کنند. از سویی به خاطر رعایت منافع مردم و برقراری روند ارائه خدمات عمومی دستگاه‌های دولتی مجبور می‌شوند با لحاظ افزایش قیمت‌ها یا نوسانات جهانی ارز، قیمت برخی از اجناس را اندکی تغییر دهند به همین جهت است که گفته می‌شوند که دولت از پرداخت هزینه دادرسی‌های دادگاهی معاف است زیرا نتیجه عملکرد مثبت آنها به نفع عموم تمام خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۸۷ تا ۸۵). قانون یک ابزار مهم برای حکومتهاست که اجازه نظارت بر امور را به مقامات رسمی کشور و نهادها و سازمانهای اداری می‌دهد به طوریکه مقامات محلی، وزراء و دیگر مجموعه‌های حکومتی قدرت خود را از قانون کسب میکنند. (sueur & sunkin, ۱۹۹۷, ۱۶۸).

موضوع حاکمیت قانون از گذشته‌های دور مورد توجه بوده به طوری که ارسطو از آن به عنوان نوعی فضیلت و عدالت یاد می‌کند. او فضیلت‌ها را تقسیم بندی کرد و صلح و دوستی را بالاترین و ارزشمندترین فضیلت‌ها معرفی می‌کند. ارسطو معتقد بود که بایستی موضوع عدالت را به اقتصاد نیز سرایت داد و در همه اموری تجاری قانون را در نظر گرفت و حتی در بینش سیاسی نیز بایستی قانون جایگاه خاصی را به خود اختصاص دهد. از دیدگاه ارسطو مهم‌ترین



فضائل عبارتند از: شجاعت و دلیری، میانه روی و اعتدال، جوانمردی و داشتن سخاوت، صبر و بردباری در امور، بزرگ همتی و بزرگواری با دیگران، صداقت و راستی و خوشرویی و محبت و نرمی با مردم که همه این ها ایجاد کننده همبستگی اجتماعی است (ارسطو، ۱۳۸۳، یا). در طول تاریخ مشاهیر بزرگی راجع به قوانین و مقررات، عدالت و حاکمیت قانون هر یک به نوعی قلمفرسایی کرده اند از جمله سولون، سیسرون، گئوس، ژوستی نیان، گراسینی، اکوردس، اکویناس، بارتول، ویتوریا، سوآرز، دومولن، ژان بودن، کوژاس، جنتیلی، گروسیوس، دوما، پوفندورف، آگوستو، پوتیه، لرد مانسفیلد، منتسکیو، ولتر، روسو، بلکستون، کانت، سزاربکاریا، پورتالیس، بنتام، هگل، ناپلئون بناپارت، فوئرباخ، ساوینی، دوتوکیل، شارل ابری و شارل رو، کارل مارکس، فن ایرینگ، واندن هومز، گابریل تارد، ادماراسمن، پلانیول، هوریو، انریکوفری، کاره دومالبرگ، فرانسوا ژنی، ژرژ ریپر، هانس کلسن، مارک آنسل و ژان کربوینه (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۶، فهرست). عدالت اجتماعی^۱ آرزوی بلندپروازانه ای است که بشریت همیشه به دنبال آن بوده که می تواند تنظیم کننده روابط شهروندان با هم باشد در این نوع عدالت که در پرتو حاکمیت قانون استقرار می یابد احترام به آزادی و توزیع امکانات اقتصادی و اجتماعی می تواند مهمترین شاخصه برای رعایت موازین حقوق بشر قلمداد گردد همانطور که جان راولز^۲ اعلام کرده عدالت اجتماعی بایستی در دو سطح پیاده شود که شامل استفاده همه شهروندان از آزادی های بنیادین حقوق بشری است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ کاملاً مورد تصریح قرار گرفته

^۱- Social Justice

^۲- Rawls John



است و در سطح بعدی این امکانات باید به سوی توزیع در بین اقشار ضعیف و آسیب پذیر جامعه گام بردارد که در مفهوم آزادی و برابری کاربرد یافته است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲، ۶۲-۶۱). تصویب منشور مگناکارتا در سال ۱۲۹۷ توسط ادوارد پادشاه انگلستان و ایرلند به منزله پذیرش حاکمیت قانون در ارتباط با مردم از سوی پادشاه بود که برخی از اختیارات پادشاه به مجلس عوام انتقال یافت (wallington & Lee, ۲۰۰۴, ۱). گروسایوس^۱، پوفندرف^۲، بورلاماکی^۳، برگم^۴ ایهرنیک^۵، کلسن^۶ و وردروس^۷ و ژلینک^۸ معتقد بودند که اصولاً دولتها در ارتباط با موضوع حاکمیت محدودیتهایی را بایستی پذیرا شوند که مبتنی بر حقوق طبیعی است که یادآور یک نظم برتر است که بر نظم‌های وضع شده توسط انسان‌ها برتری دارد و عملاً این نظم برتر امروزه همانا موازین حقوق بین الملل می‌باشد که به نوعی در قوانین داخلی نفوذ کرده و ترسیم کننده ارزش‌ها و منافع مشترک همه بشریت در چند قرن گذشته است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۸، ۱۹۱ تا ۱۸۹). با این حال همه این ارزش‌ها آنگاه استمرار خواهند یافت که با کنترل و نظارت توأم باشند و مدیریت شوند.

۱- Grotius

۲- Pufendarf

۳- Burlamaqui

۴- Berghom

۵- Ihring

۶- Kelsen

۷- Verdros

۸- Jellinek



بخش اول: مفهوم نظارت و اهمیت آن در جوامع انسانی

ترمینولوژی حقوق در بیان مفهوم نظارت به تعریف ناظر ارجاع داد و اعلام داشته که ناظر عبارت است از شخصی که اعمال یا کارکرد نماینده اشخاص را مورد توجه قرار داده و راجع به صحت یا سقم آن مبادرت به سنجش می نماید مشروط به آن که برای این نوع نظارت، مجوز و صلاحیت قانونی داشته باشد که استاد جعفری لنگرودی ناظر را در چهار مفهوم بکار برده که شامل ناظر استصوابی، ناظر اطلاعی، ناظر تصفیة و ناظر شرکت می گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ۷۳۹-۷۳۸). گفته شده که نظارت عبارت است از بازبینی و مهار و منظور از این واژگان آن است که علی الاصول یک نفر که دارای پست و مقام و صلاحیت های قانونی است اعمالی انجام دهد که نظارت و کنترل را ایجاب کند. در همه کشورهای جهان قوای سه گانه از نظر صلاحیت و اختیاراتی که دارا می باشند مطابق قانون اساسی همه کشورها به شکل سلسله مراتبی تحت نظارت قرار دارند تا در اجرای صلاحیت های خود مرتکب تخلف یا انحراف از قانون نشوند و این نظارت محدود به زمان معینی نیست و می تواند قبل از شروع به اقدام یا بعد از آن نیز کنترل ها و نظارت ها انجام گیرد مانند نظارت بر اجرای طرح های عمرانی و تخصیص بودجه و اعتبارات به پروژه های پیشنهاد شده یا در حال اجرا. از سوی دیگر باید به این نکته دقت کرد که مقام نظارت کننده باید منتظر بماند که اعمال مورد نظارت اتفاق بیفتد در غیر این صورت نظارت قبل از انجام اقدامات می تواند جنبه توصیه داشته باشد و باعث بهبود کارکردها شود (راسخ، ۱۴۰۰، ۱۹ تا ۱۷). واژه نظارت^۱، بازرسی^۲ و کنترل^۳ مترادف یکدیگرند و در مشاغل رسمی و غیر رسمی کاربرد فراوانی دارند و همه کشورهایی که به نوعی به

^۱ - Watching

^۲ - Checking up

^۳ - Inspection



پیشرفت‌های علمی و اقتصادی دست یافته اند مدیون کنترل و نظارت امور مستمر می‌باشند و علی‌الاصول در شرکت‌های تجاری نیز مدیر عامل ضمن اداره شرکت، به بازرسی و نظارت بر کارکنان و روند انجام امور مبادرت می‌ورزد و مهمترین نوع نظارت، نظارت حقوقی است که در سه مسیر حقوق اساسی و حقوقی اداری که از شاخصه‌های علم حقوق عمومی است کاربرد دارد و نظارت بر ادارات، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی بیشترین مخاطب نظارت و بازرسی‌ها قرار دارند (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۹۹، ۱۳). با توجه به اینکه قلمرو فعالیت دولت‌ها بسیار گسترده است و شامل حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود فلذا نظارت بر عملکرد هر یک از این مجموعه‌ها می‌تواند باعث ارتقاء خدمات عمومی ارائه شده به شهروندان شود. اصولاً همه حکومت‌هایی که با انتخابات مردمی به قدرت می‌رسند هم خود را خادم شهروندان و رأی دهندگان می‌دانند و هم از نظارت و کنترل استقبال می‌کنند تا اگر کسی اقدامی برخلاف قانون انجام داد چه در بخش دولتی و چه در بخش‌های خصوصی باید پاسخگوی اعمال خود بوده و متوجه این نکته باید باشد که علم حقوق با تمهید مسئولیت مدنی و جزایی مانع از تکرار اعمال خلاف قانون در جامعه می‌گردد و مشروعیت نهادهای نظارتی به طور معمول مبتنی بر قواعد و مقررات است از سوی دیگر توجه به اصل تخصص و شایسته سالاری موجب می‌شود که امور روزانه به صورت صحیح انجام شده و اعتماد به تدابیر و رهنمودهای مسئولان جامعه افزایش یابد در عین حال یک نظارت دقیق و صحیح موجب می‌شود که مقام نظارت کننده قادر به اعمال تشویق و تنبیه به موقع افراد و کارکنان باشد. البته و خوشبختانه در عمل شاهد تشویق و ارتقاء مقام کارکنان سازمان‌های عمومی هستیم مانند بانک‌ها که نتایج ارزیابیها و نظارت‌ها باعث تشویق رئیس و معاون بانک‌ها شده و درجات فعالیت بانک‌ها ارتقاء می‌یابد که ناشی از اعتماد منطقی مشتریان و مراجعه کننده به بانک‌ها



می شود در عین حال تنبیه متخلفان مانع از تجری فردی می شود که در اندیشه انحراف از وظایف پست سازمانی خود است از سوی دیگر نظارت می تواند باعث بهبود برنامه ریزی برای جامعه و فردای اجتماع شود و تصمیم گیری ها کاملاً سنجیده و عالمانه باشد این موضوع درباره خداوند نیز صدق می کند و پروردگار با نظارت بر بندگان خود آن ها را به راه راست هدایت کرده و از طرفین می خواهد که با عمل به فریضه دینی و عقلانی امر به معروف و نهی از منکر جامعه را به سوی رستگاری و سعادت هدایت کنند (امید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۹۹، ۳۰-۲۹). به طور معمول ماموریت های دستگاه های اداری دو نوع است که شامل تامین نظم عمومی از طریق اجرای وظایف و تکالیف کارکنان دستگاه های مختلف است و دسته دوم شامل اعمالی می شود که به دنبال انجام خدمات عمومی می گردد که در هر دوی این موارد اعمال نظارت و کنترل موجب استقرار حاکمیت قانون در عمل شده و عدالت توزیعی مستقر خواهد شد و این همان آرمانی است که بشریت و همه اجتماعات در طول تاریخ به دنبال استقرار و تحقق آن هستند (لگراند و وینه، ۱۳۹۸، ۱۵). در یک جمع بندی نهایی می توان اعلام داشت که تحقق حاکمیت قانون در جامعه بهترین تکنیک و رهنمود برای رعایت حقوق شهروندی و حقوق بشر در همه جوامع انسانی است و همانطوری که بعضی از نویسندگان اعلام داشته اند هنجارهای حقوق بشر در عمل از سه ویژگی جهانی بودن، غیر قابل تفکیک بودن و وابستگی متقابل به هم برخوردارند (ساعد و کیل و عسکری، ۱۳۸۳، ۱۵). به نظر می رسد با نظارت و کنترل تمام مجموعه های انسانی می توان شاهد رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شد و رفاه اجتماعی و عدالت توزیعی در جامعه قابلیت استقرار خواهد یافت. تاسیس دستگاه های مختلف نظارتی و بازرسی در بسیاری از کشورها نشانگر قاطعیت دولت ها در ارتقاء سطح زندگی شهروندان و ترویج حاکمیت قانون خواهد بود از سوی دیگر قوه قضائیه در بسیاری از



کشورها و شوراهای حل اختلاف در مراجع مختلف اداری می‌تواند بهترین نظارت‌ها را در ارتباط با اعمال انسان‌ها با هم داشته باشد. در فراز بعدی به مفهوم حاکمیت قانون خواهیم پرداخت و ارزش‌های مندرج در آن را تحلیل خواهیم نمود.

بخش دوم: مفهوم حاکمیت قانون^۱ و مطلوبیت استقرار آن

گفته شده که حاکمیت قانون یکی از مهمترین اصول موجود در مباحث سیاست، قدرت و علم حقوق است و معیار مشروعیت دموکراسی همین بحث حاکمیت قانون است که توجه به آن موجب اقتدار جوامع سیاسی می‌گردد که نه تنها دولت‌ها بایستی به آن پای بند باشند بلکه احزاب و تمام گروه‌های اجتماعی نیز باید از حاکمیت قانون استقبال و تبعیت نمایند و جامعه‌ای که قانون محور باشد جامعه‌ای حق محور تلقی خواهد شد. حاکمیت قانون واجد دو اثر عمده است که عبارتند از:

اعطای صلاحیت به حکومت‌ها برای اداره جامعه و رتق و فتق امور روزانه شهروندان و جلوگیری از تضییع حقوق آنها به ویژه حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان. در عین حال توجه به حاکمیت قانون می‌تواند موجب ایجاد تعادل و توازن در جامعه گردد و همه امور از بازار گرفته تا تعیین قیمت کالاها و مالیات بر مبنای مصوبات قانونی باشد. در عین حال مهمترین آثار حاکمیت قانون عبارتند از نظارت بر قدرت سیاسی حاکم بر جامعه، تنظیم امور روزانه شهروندان از لحاظ حفاظت از حقوق و آزادی‌های قانونی که قانون اساسی از آن‌ها نام برده است در برخی کشورهای آفریقایی که خبری از حاکمیت قانون نیست و بطور معمول با هزاران مشکل مواجهند حکومتهایی شکل می‌گیرند که در نتیجه کودتا بقدرت رسیده‌اند و برای

^۱ - Rule of Law



قوانین و مقررات هیچ اعتباری قائل نیستند حال آن که آن قوانینی باید به مرحله اجرا در آیند که حافظ نظم عمومی، صلح و حقوق و آزادی های بنیادین حقوق بشری باشد. بنابراین مهمترین ویژگی اصل حاکمیت قانون آن است که معیار صحت اعمال قانون بوده و چون قانون حامی عدالت اجتماعی است بنابراین رعایت آن از اهم واجبات در هر جامعه است. از سوی دیگر در جوامعی که دموکراسی استقرار یافته نمی توان بی نظمی یا سوء مدیریت مشاهده کرد زیرا حاکمیت قانون خود از ارزش های ویژه ای حمایت می کند که یکی از آنها توجه به شایسته سالاری و تخصص گرایی است و قانون در ذات خود واجد خصوصیت فوق العاده ارزشمندی است که عبارتند از: عمومی بودن آن، کلیت قانون و قاطعیت آن (خسروی، ۱۳۹۸، ۳۳ تا ۳۱). مفهوم حاکمیت قانون در انگلستان همان تفکیک قواست از یکدیگر که قوانین اساسی و اداری آن را سرلوحه اقدامات و تصمیمات خود قرار داده اند که هم پارلمانها و مقامات حکومتی بایستی از آن پیروی کنند و تنها مختص اجرا توسط قوه مجریه نیست (clements & Jones, ۲۰۱۱, ۹۹). از سوی دیگر با تحلیل مفهوم اصل حاکمیت قانون بایستی به این نکته توجه کنیم که وجود و ضرورت استقرار یک دولت قوی و قانونمند شرط ایجاد تعادل میان منافع فردی و جمعی است از سوی دیگر قانون ارزشی است که می تواند موجب افزایش تفاهم و افزایش سازگاری در اجتماعات بشری گردد و صلح را رقم زند. در پرتو قانون انضباط اجتماعی ایجاد شده هدف های اجتماعی در معیت قانون تحقق خواهد یافت و فقط قانون پویا و منظم می تواند حامی صلح پایدار باشد و موجب اتحاد انسان ها با فرهنگ های متمایز از هم شود. از سوی دیگر گفته شده که هدف از حاکمیت قانون توزیع عادلانه و مساوی حقوق و آزادی ها میان افراد جامعه است. علاوه از آن ارزیابی تبعیت حکومت ها از قانون بایستی با نظارت قضایی توأم گردد و در این مورد به خصوص قانون



اساسی می‌تواند مهمترین معیار برای رعایت حکومت قانون باشد. از سوی دیگر حاکمیت قانون که حامی صلح پایدار اجتماعی است بایستی با لحاظ اصول ذیل تضمین گردد که عبارتند از:

- ۱- اولویت و ارجحیت قانون اساسی بر دیگر قوانین عادی و موضوعه
- ۲- تبعیت قوه مجریه و قوه مقننه از قوانین و مقررات
- ۳- ممنوعیت قوه مجریه از هر کاری یا تصمیمی که متکی بر قانون نیست.
- ۴- دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی برای شهروندان
- ۵- تفکیک قوای سه گانه شامل قوه مجریه، قضائیه و مقننه
- ۶- داشتن امنیت حقوقی برای افراد از جهت شفافیت قوانین و مقررات، احترام به حق خلوت شهروندان و عطف به ماسبق نشدن قوانین (اثر قانون همیشه ناظر به آینده است مگر آن که قانون خود مقرر کند) مانند خروج برخی از اعمال از لیست جرائم.
- ۷- مسئولیت‌پذیری قوای سه گانه به ویژه قوه مجریه
- ۸- حق تظلم خواهی و استفاده از تضمینات حقوق بشری قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری (فلسفی، ۱۳۹۰، ۴۱ تا ۳۸).

قانون بهترین ابزار حفاظت از حقوق و آزادی هاست که توسط مجالس قانونگذاری تصویب شده و خیر مشترک شهروندان در آن گنجانده می‌شود به ویژه که تضمینات اجرای قوانین بسیار موثر و کارآمد بوده و این صلاحیت فقط از آن دولت هاست و دادگاه قانون اساسی



می‌بایست از اقتدار کافی برای نظارت بر اجرای قانون اساسی در همه حال برخوردار باشد و مانع از سوء استفاده از قوانین و انحراف در اجرا یا تفسیر آن گردد و متخلفان را به کیفر مناسب و عادلانه اداری و قضایی محکوم کند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۴، ۲۲۰-۲۱۹). اگر حکومت‌ها با انتخابات به قدرت برسند قطعاً مجری قوانین خواهند بود زیرا نمی‌خواهند که اعتماد و رضایت رأی دهندگان را از دست بدهند به همین جهت است که حقوق‌دانان حقوق عمومی، نظام جمهوری را یک سیستم قانونمند خطاب می‌کنند و مانع از اعمال سلیقه کارگزاران می‌گردند زیرا جایی که قوانین مصوب وجود دارد فرصتی برای خود محوری وجود نخواهد داشت. در نظام جمهوری با لحاظ نظارت نهادهای عالی قضایی، مقامات دولت‌ها خود را تحت نظارت قانون فرض کرده و مانند شهروندان از قوانین پیروی می‌کنند که این رفتار عین احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان در هر جامعه است. اساساً مهمترین شاخصه حاکمیت قانون، محدود کردن قدرت در ارتباط با جامعه است مگر اینکه قدرت در خدمت شهروندان باشد (خسروی، ۱۳۹۷، ۷۶). به طور معمول هر جا که قوانین به درستی رعایت شوند می‌توان شاهد موفقیت در تحقق رشد و توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی بود چرا که عدالت اجتماعی نیز تنها در پرتو استقرار حاکمیت قانون در جامعه پیاده خواهد شد. اگر جهان امروز مواجه با هزاران نوع مشکل است فقط به خاطر آن است که از فقدان قانون و حاکمیت آن می‌نالد و فقط برخی از اوقات می‌توان شاهد تصمیماتی از سوی شورای امنیت یا مجمع عمومی بود که ماهیت قانونی دارند و با لحاظ آن می‌توان شاهد استقرار صلح پایدار، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی و همین طور توسعه روابط دوستانه بود. در عین حال یکی از مشکلات دهکده جهانی در هزاره سوم کمبود یا ناچیز بودن نظارت بر اجرای معاهدات بین المللی مصوب است.



بخش سوم: تنوع نظارت و کارکردهای آن

در نظامهایی که تفکیک قوا انجام شده قوه مقننه و گاهی قوه قضائیه بر عملکرد قوه مجریه نظارت مرتبی را اعمال می کنند زیرا با وجود صلاحیت های بسیار متنوع امکان دارد که برخی از مواقع انحرافی در اجرای قوانین پیش آید که در این صورت حقوق جمعی نادیده گرفته شده و نقض خواهد شد. در عین حال قوای سه گانه ضمن تفکیک قوا باید با یکدیگر تشریک مساعی نیز داشته باشند در عین حال مهمترین انواع نظارت از نظر علم حقوق عبارتند از: نظارت تأسیسی، نظارت بر شکل گیری دولت ها، نظارت بر تغییر وزیران و موضوعات مهم و مورد اختلاف قوه مجریه، نظارت اطلاعاتی، نظارت استصوابی، نظارت بر معاهدات بین المللی، نظارت بر تغییر خطوط مرزی، نظارت بر ایجاد و اعلام حالت فوق العاده و برخی از محدودیت های آن، نظارت بر صلح دعاوی مالی دولت و یا ارجاع آن ها به داوری، نظارت بر بعضی از اقدامات دولت، نظارت بر اعطای امتیاز تشکیل شرکت ها به اتباع خارجی، نظارت مالی، نظارت مجلس در تهیه بودجه و اجرای بودجه از سوی دیوان محاسبات کشور و نظارت سیاسی (هاشمی، ۱۳۹۶، ۲۱۱ تا ۱۵۹ با تلخیص). استاد راسخ در کتاب نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی در بیان انواع نظارت به موارد ذیل پرداخته اند:

۱- نظارت عمومی که از طرف مردم و از طریق مجلس، احزاب، مطبوعات، رسانه های ارتباط جمعی و مقامات حکومتی انجام می شود که طی آن دو هدف اساسی تعقیب می گردد که عبارتند از:

۱- شفاف سازی اعمال حکومت ها

۲- ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه و شهروندان



۲- نظارت سیاسی که از سوی نمایندگان پارلمان‌ها انجام می‌شود چرا که برخی از مقامات رسمی کشور مانند وزراء و رئیس جمهور دارای مسئولیت سیاسی هستند و بیان سوال و استیضاح از این جهت مثمر الثمر است که می‌تواند موجب پاسخگو بودن مقامات حکومتی شود.

۳- نظارت تقنینی: که در این نوع نظارت نهادی عالی که توسط قانون اساسی تعیین شده است بر عمل قانونگذاری نظارت دارد که مثلاً دادگاه قانون اساسی فرانسه ناظر بر این نوع نظارت است.

۴- نظارت مالی: که در این نوع نظارت هزینه‌های انجام شده توسط دولت تحت بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد که این وظیفه را در بسیاری از موارد پارلمان‌ها عهده دارند و نهادهای محاسباتی نظارت مالی دقیقی بر صرف درآمدها خواهند داشت.

۵- نظارت قضایی: که توسط دادگاه‌ها و قوه قضائیه انجام می‌شود و متخلفین به کیفرهای مختلفی محکوم می‌شوند که در سوئد به نام آمبودزمن^۱ شهرت یافته و مصوبات دولت‌ها با نظارت قضایی لغو اعلام می‌شوند.

۶- نظارت امنیتی: که این نوع نظارت به این جهت انجام می‌شود که مانع از ایجاد مشکل برای دولت وقت گردد که بهتر است این نوع نظارت توسط قوه مجریه انجام شود.

۷- نظارت انضباطی- اداری که با انتخاب شخص ناظر و دریافت گزارشات ادواری از سوی او انجام می‌شود.

^۱ - ombudsman



۸- نظارت عقیدتی: آن نوع نظارتی است که به دنبال استمرار وفاداری کارکنان و مامورین حکومتی به ارزش‌های بنیادین قانون اساسی هر کشور است که تکلیف مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را مقرر می‌کند (راسخ، ۱۴۰۰، ۴۳ تا ۴۶).

برخی دیگر از علمای حقوق عمومی نظارت را به شکل ذیل طبقه‌بندی کرده‌اند:

الف- نظارت حکومتی

ب- نظارت مردمی که نظارت حکومتی شامل موارد ذیل می‌شوند:

۱- نظارت سازمانی که همان نظارت سلسله‌مراتبی و نظارت قیمومتی است.

۲- نظارت کیفی می‌تواند در ابعاد قضایی، اداری، مالی، سیاسی و پارلمانی تحقق یابد.

۳- نظارت درونی و بیرونی

۴- نظارت شکلی به نحو مستمر و موردی

۵- نظارت پسینی، پیشینی و روندگرا

۶- نظارت ماهوی شامل نظارت استصوابی و استطلاعی

در عین حال نظارت مردمی می‌تواند با تکنیک‌های ذیل برقرار شود:

۱- افکار عمومی

۲- آزادی احزاب و اجتماعات



۳- آزادی مطبوعات و رسانه ها

در عین حال نظارت می تواند از لحاظ موضوع، شیوه و هدف کاملاً متمایز از هم باشد (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۹۹، ۶۰).

در حقوق ایران نظارت بر ادارات و سازمان ها از سوی دیوان عدالت اداری با رسیدگی به دعاواها و شکایات اداری انجام می پذیرد و این دیوان وظیفه نظارت بر تطابق آئین نامه ها و تصمیمات و اعمال اداری قوه مجریه با قوانین مصوب را داراست و صلاحیت حل اختلاف میان افراد حقیقی و دولت را دارد بدین ترتیب صلاحیت دیوان عدالت اداری توسط قانونگذار ایجاد شده و از سال ۱۳۶۰ این نهاد نظارتی آغاز به کار کرد (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۵، ۴۶۱). نظارت بر امور روزانه در همه حوزه ها از وظایف مجلس است چرا که نظام های مردم سالار که دموکراسی را به عنوان شیوه حکومت برگزیده اند نظارت را ترویج و تشویق می کنند. این گونه نظارت توسط مجلس مبتنی بر چهار اصل نمایندگی، پاسخگو بودن، شفافیت و اصل حاکمیت قانون است که کسانی که مسئول اجرای قانون هستند باید آن ها را رعایت کنند. بدین ترتیب مجلس با نظارت عمومی و اطلاعی با لحاظ عملکرد کمیسیون اصل نود قانون اساسی و تحقیق و تفحص به نظارت مستمر مبادرت می ورزد. در نظارت تصویبی توجه به موارد ذیل تشکیل دهنده موضوع نظارت است از جمله کنترل معاهدات بین المللی، تغییر خطوط مرزها، اعمال محدودیت های مختلف در زمینه رعایت موازین حقوق بشر، صلح دعاوی دولت، اجازه اعطای امتیاز به شرکت های خارجی، بکارگیری کارشناسان سایر کشورها، قرض و استقراض، فروش ابنیه و اموال دولت. همین طور نظارت مالی می تواند از طریق تذکر، سوال، تحقیق و تفحص و استیضاح جاری گردد که بر اساس گزارش های دریافتی تهیه شده است و نظارت



اختصاصی ویژه دیوان محاسبات کشور است و همین طور تفریغ بودجه و نظارت بر تشکیل دولت جدید از مهمترین مصادیق نظارت در حقوق عمومی محسوب می شود که در همه موارد فوق بایستی قانون لحاظ و اجرا شود (خسروی، ۱۳۹۸، ۹۵ تا ۸۷). اصولاً بیشترین نظارت ها متوجه دولت هاست که از قدرت بالایی برخوردار است. اما مهمترین وظیفه ای که بر عهده دولتهاست پاسخگو بودن آنهاست آن هم در سه بعد حقوقی، سیاسی و مالی (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹، ۱۴۷-۱۴۶). همه این نظارت ها آن هنگام به صورت صحیح انجام خواهد شد که توسط دستگاه های نظارتی صورت بگیرد و خود این دستگاه ها نیز بایستی تحت نظارت قرار بگیرند.

بخش چهارم: دستگاه های نظارتی موجود در زمینه کنترل و بازرسی

با توجه به اینکه موضوع رعایت حقوق شهروندی تنها با کنترل و نظارت و بازرسی از نهادهای دست اندرکار و کارکنان آن امکان پذیر است و این موضوع به نوعی زمینه ساز رعایت حقوق بشر را نیز فراهم می آورد بنابراین می توان نتیجه گرفت که نظارت نوعی اقدام در راستای حمایت از حقوق بشر نیز هست که در ایران چهار نهاد و سازمان این وظیفه را عهده دارند که عبارتند از:

۱- کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی

۲- دیوان عدالت اداری

۳- سازمان بازرسی کل کشور

۴- کمیسیون حقوق بشر اسلامی



در خصوص کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی نظارت به این ترتیب است که هر زمان شخصی از کارکرد و تصمیمات سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه شکایتی داشته باشد شکایت خود را به مجلس شورای اسلامی تحویل خواهد داد که سه نهاد باید با استعلام مجلس پاسخگو باشند و نتیجه به اطلاع عموم مردم خواهد رسید و مجلس شورای اسلامی با مکاتبات منظم با هر سه قوا یا قوه ای که از آن شکایت شده به موضوع رسیدگی خواهد کرد و حتی می تواند موضوع را به دادگاه نیز ارجاع داده و رسیدگی را به صورت جدی تا حصول نتیجه پیگیری کند. دیوان عدالت اداری نیز طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی به شکایت مردم از واحدهای دولتی یا آئین نامه های قوه مجریه رسیدگی می کند که زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه می کند و به شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی رسیدگی می کند از: تصمیمات و اقدامات سازمان های دولتی، وزارتخانه ها، شرکت های دولتی، شهرداری ها، نهادهای انقلابی و موسسات وابسته به آنها، آئین نامه های دولتی و شهرداری ها، تصمیمات دادگاه های اداری، هیأت های بازرسی، کمیسیون های مالیاتی، شورای کار، هیأت های حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده ۱۰ شهرداریها، کمیسیون ماده ۵۶ منابع طبیعی، رسیدگی به تظلم خواهی مشمولین قانون استخدام کشوری و لشکری و اگر رأی صادره از دیوان عدالت اداری را اجرا نکنند از خدمات دولتی منفصل خواهند شد. همین طور سازمان بازرسی کشور طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی با تکیه بر حق نظارت قوه قضائیه صلاحیت دارد که نسبت به جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری رسیدگی کند که تحت نظر رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه خواهد کرد که به شکل بازرسی مستمر و فوق العاده بازرسی ها را انجام خواهد داد و کمیسیون حقوق بشر اسلامی که تحت نظر رئیس قوه قضائیه مسئولیت مراقبت و پیگیری اجرای حقوق بشر را با لحاظ موازین اسلامی حقوق بشر است که ملهم از تعالیم و آموزه های اسلام است و



همین طور اعلامیه حقوق بشر اسلامی را عهده دار خواهد بود تا مانع از نقض حقوق بشر در کشورهای اسلامی شود. این کمیسیون از ۹ نفر شورای عالی سیاستگذاری تشکیل شده و چندین کمیته این کمیسیون را در انجام وظایف حقوق بشری خود یاری می‌رسانند که عبارتند از: کمیته علمی و پژوهشی، کمیته مراقبت، کمیته برنامه ریزی، کمیته امور زنان و کمیته پیگیری (مهرپور، ۱۳۷۷، ۴۰۲ تا ۳۹۶). البته قوه مجریه نیز دارای ساز و کارهایی برای نظارت بر دستگاه‌های اداری و اجرایی نیز هست و نهادهای چهارگانه فوق‌الذکر با نظارت‌های مستمر خود زمینه تحقق حاکمیت قانون را به بهترین وجه فراهم می‌آورند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۴، ۱۸۲). اصولاً این نظارت‌ها ضمن تقویت موازین حقوقی باعث رشد و توسعه جامعه بشری و رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان شده و حاکمیت قانون خواهد شد. و نظم عمومی مورد حفاظت قرار خواهد گرفت. موضوع نظارت در حقوق بین‌الملل نیز از اعتبار فوق‌العاده‌ای برخوردار است و مانع از تهی شدن حقوق از جوهر حقوقی خود خواهد شد (ژانرو، ۱۳۸۲، ۴۳۰). به همان نحوی که حقوق عمومی یادآور آن است و وظیفه تنظیم روابط بین فرمانروایان و فرمانبران را عهده دار است تا حاکمیت قانون همیشه در همه امور لحاظ شود (موسی زاده و براری، ۱۳۹۵، ۵۱).

بخش پنجم: تاثیر نظارت در ترویج حاکمیت قانون

رعایت حقوق شهروندان و توجه به تعهدات آن‌ها در مقابل حاکمیت ایجاب می‌کند که موضوع نظارت بر امور و دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی جدی گرفته شده و به طور مستمر انجام شود در این صورت می‌توان منافع حقوقی، سیاسی و اقتصادی حاکمیت قانون را به اشکال ذیل مشاهده کرد:



- ۱- برقراری نظم حقوقی که مقدمه برقراری نظم اجتماعی و سیاسی است.
- ۲- نهادهای شدن روابط شهروندان با هم و با دستگاه های اداری
- ۳- اطاعت از قوانین با طیب خاطر و میل و رغبت فراوان
- ۴- بهبود رفتار و عملکردها از سوی شهروندان و مقامات اداری
- ۵- قابلیت پیش بینی نتایج امور محوله به دستگاه های اداری
- ۶- امکان برنامه ریزی برای آینده و پیگیری اهداف و ایده آل ها
- ۷- توجه به مزایا و ویژگی های قانون از جهت عمومی بودن، آینده نگر بودن، انتشار آن برای اطلاع عموم، واضح و شفاف بودن قانون و ثبات نسبی آن که امکان داشتن انتظارات و آرمان های مشروع را به شهروندان می دهد.
- ۸- کاهش آسیب پذیری شهروندان در نتیجه تصمیمات سلیقه ای نه مبتنی بر قانون
- ۹- استقرار تدریجی عدالت طبیعی و اجتماعی در ارتباط با حقوق و آزادی های اساسی شهروندان و همه انسان ها
- ۱۰- زمینه ساز همکاری بین افراد جامعه بر مبنای چارچوب های ویژه و حمایت شده از سوی قانون
- ۱۱- تقسیم قدرت و رقابت منصفانه برای داشتن جایگاه قانونی در دستگاه های اداری
- ۱۲- بهبود شیوه های حکومت و افزایش همکاری، همدلی و همبستگی میان مردم و حاکمیت



- ۱۳- حمایت از قانون در همه موارد از سوی صاحب منصبان قدرت سیاسی
- ۱۴- برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه با حضور همه احزاب و فعالان آن با مد نظر قرار دادن ارزش‌های دموکراسی
- ۱۵- افزایش میزان خدمات ارائه شده به شهروندان از سوی دستگاه‌های اداری
- ۱۶- رقابت منصفانه و برابر اقتصادی در تجارت و بازار
- ۱۷- پرهیز از هر نوع تبعیض از بعد اقتصادی و دسترسی به اطلاعات و آمار تجاری
- ۱۸- مدیریت مالی و اقتصادی شفاف در همه زمینه‌های اقتصادی
- ۱۹- اعمال قانون در بخش‌های خصوصی و کاهش موارد فساد مالی در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی
- ۲۰- تضمین فرصت‌های اقتصادی برابر و تلاش برای قانونمندی در همه زمینه‌ها (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹، ۱۶۴ تا ۱۵۹).
- ۲۱- تحقق توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و انسانی در پرتو حاکمیت قانون (میرعباسی و میرعباسی، ۱۳۹۵، ۲۸).
- ۲۲- حاکمیت قانون تضمین کننده به زمامداری و مدیریت سیاسی است.
- ۲۳- با حاکمیت قانون دولت‌های قانونمدار مکمل یکدیگر شده و هر یک می‌تواند از دیگری مراقبت کند.



۲۴- حاکمیت قانون و نظارت به موقع می تواند باعث تحول و توسعه حقوق عمومی شود.

۲۵- حاکمیت قانون می تواند تضمین کننده حقوق برابر انسان ها باشد.

۲۶- حاکمیت قانون ترسیم کننده صلاحیت های دولتهاست (گرجی ازندریانی، ۱۳۹۶، ۱۵۷ تا ۱۵۵).

مهمترین اهداف نظارت بر مجموعه های سازمانی و اداری عبارت است از:

۱- افزایش کیفیت فعالیت سازمان ها و شرکت ها و بهره مندی جامعه از آن

۲- کسب اطمینان از سلامت سازمان های اداری و تلاش برای پیشگیری از ورود آسیب به بدنه سازمان

۳- مقابله با عیوب موجود در عملکرد سازمان ها و تلاش برای رفع معایب

۴- ارزیابی عملکرد مدیران با تجربه و استفاده از آن ها در سیاست گذاری و برنامه ریزی های کلان جامعه

۵- استفاده از فرصت های مطلوب برای رشد و ارتقاء ارائه خدمات عمومی توسط سازمان ها و ادارات

۶- تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار و حرکت بر مبنای هشدارها و توصیه های خردمندانه مقام نظارت کننده

۷- کارآمدتر کردن ساختار ادارات و سازمان ها با توجه به یافته های علمی روز



۸- تفکیک میان کارکنان مسئولیت پذیر از کسانی که نسبت به انجام امور مراجعه کننده کاملاً بی تفاوتند.

۹- با نظارت می‌توان مدیران و کارکنان ادارات و سازمان‌ها را رتبه بندی کرد و از کارکنان شایسته در مراتب بالاتر استفاده کرد.

۱۰- مقابله با تنزل بهره‌وری سازمان‌ها و موسسات با هدف کاهش فساد (عمید زنجانی، موسی زاده، ۱۳۹۹، ۴۸ تا ۴۶).

اگر نظارت به صورت دقیق و منطبق بر قانون به اجرا در آید قطعاً زمینه ساز رضایت مراجعه کنندگان به سازمان‌ها و ادارات فراهم شده و کشورها به آرامی به سوی رفاه و عدالت اجتماعی و توسعه پایدار حرکت خواهد کرد. با این وصف حاکمیت قانون موجب تسریع در امور شده و به تدریج زمینه استقرار عدالت اجتماعی فراهم شد از سوی دیگر اعتماد مردم به کارکرد سازمان‌ها افزایش یافته و همکاری صمیمانه‌ای میان مردم و سازمان‌ها و ادارات به جریان خواهد افتاد. قانون معیار رفتارهای صحیح در جامعه است و به منزله چارچوب بقاء اجتماعات انسانی می‌باشد با این حال نظارت بر اجرای آن می‌تواند باعث دوام و استمرار حاکمیت قانون در جوامع بشری باشد که به شدت از تعارض منافع میان انسان‌ها می‌نالد.

نتیجه‌گیری

اصولاً بقاء هر اجتماعی منوط به رعایت ارزشهایی است که از آن با نام قانون یاد می‌شود و هر جا که قانون حاکم بر اعمال و رفتار انسان‌ها اعم از فرمانروا یا فرمانبر باشد با حاکمیت قانون و به زمامداری یا حکومت مطلوب مواجه خواهیم و آمار جرایم سیر نزولی خواهد یافت از سوی



دیگر تنها با یک نظارت مستمر است که می توان شاهد افزایش اعتبار قانون در جامعه بود و هر کس که قصد انحراف از قانون داشته باشد گرفتار پنجه عدالت جامعه خواهد شد و بایستی در مسیر صحیح گام بردارد و زندگی کند. در عین حال در همه کشورها قانون اساسی مهمترین ابزار برای پاسداری از حقیقت و قانون و حقوق شهروندان است و همانطور که قبلاً گفته شد نظارت می توان در چهره های مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی، پارلمانی، مالی، اداری، عمومی و تقنینی به مرحله اجرا درآید با این حال کسانی که در امر نظارت دخیل هستند اشخاصی باید باشند که از تجارب و دانش کافی در زمینه موضوع نظارت برخوردار باشند البته در شریعت مقدس اسلام نظارت معنوی نیز پیش بینی شده که از آن با عنوان فریضه امر به معروف و نهی از منکر یاد می شود و می تواند به نوبه خود باعث کاهش مفاسد و انحرافات در جامعه گردد و از سوی دیگر استمرار نظارت در اجتماعات بشری موجب تحصیل آمار و ارقامی می شود که اطلاع از آن برای هر دولت، حکومت و حاکمی ضرورت دارد در پرتو آن می توان تصمیم گیری های دقیقی را به عمل آورد که می تواند جامعه را به سوی سعادت و رستگاری دنیا و آخرت هدایت کند. از سوی دیگر نظارت می تواند موجب تفکیک افراد و پرسنل کارآمد از افراد بی تفاوت در هر سازمان و اداره شده که باعث کاهش سرعت حرکت به سوی توسعه پایدار می گردند. علاوه از آن حاکمیت قانون به شدت متکی به نظارت مستمر مقامات، کارکنان و اقدامات روزانه آنهاست تا به کسانی که در انجام امور ایثار به خرج می دهند ارتقاء پست سازمانی یافته و از حقوق و مزایا و تشویقات مالی و معنوی برخوردار شوند. اصولاً یکی از دلایل پیشرفت کشورهای صنعتی و توسعه یافته توجه جدی به نظارت است که در همه سطوح جریان دارد. در نهایت پیشنهاد می شود که:



- ۱- با آموزش و فرهنگ سازی موضوع نظارت به مردم و شهروندان هر جامعه توضیح داده شده و آنها را با مزایای نظارت آشنا سازند.
- ۲- موضوع نظارت و مدیریت و ارتباط آن با حاکمیت قانون برای عموم افراد جامعه تشریح شود.
- ۳- در موضوع نظارت از افراد متخصص استفاده شده و شایسته سالاری ترویج شود.
- ۴- همه سازمان‌ها و ادارات دولتی و خصوصی تحت نظارت و بازرسی قرار گرفته و از موضوع تشویق در این زمینه استفاده شود.
- ۵- نهادهای نظارت کننده خود نیز باید تحت نظارت قوای سه گانه مقننه، قضائیه و مجریه قرار بگیرند.
- ۶- موضوع نظارت از مداخله تفکیک شده و وظیفه نظارت تنها به افراد صلاحیت دار و مطیع قانون سپرده شود.
- ۷- نهادهای قوه مجریه باید به طور مستمر تحت نظارت نهادهای قانونگذاری و قضایی باشند.
- ۸- از موازین شرعی و آموزه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام برای ترویج نظارت و حاکمیت قانون استفاده شود.
- ۹- موضوع نظارت و حاکمیت قانون به آموزش‌های ضمن خدمت کارکنان و مامورین ادارات و سازمان‌ها مبدل شود.



۱۰- این نکته به طور مرتب گوشزد شود که رعایت حاکمیت قانون بهترین ابزار برای حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی در هر جامعه است.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. ارسطو، (۱۳۸۳). اصول حکومت آتن، با مقدمه غلامحسین یوسفی، ترجمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، نشر علم، تهران، چاپ چهارم (اول علم).
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۹). ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ سی و دوم با ویرایش جدید.
۳. خسروی، حسن. (۱۳۹۷) حقوق اساسی (۳)، دانشگاه پیام نور، تهران.
۴. خسروی، حسن. (۱۳۹۸) حقوق اساسی ۲، دانشگاه پیام نور، تهران.
۵. خسروی، حسن. (۱۳۹۸) حقوق اساسی ۱، دانشگاه پیام نور، تهران.
۶. راسخ، محمد. (۱۴۰۰). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، انتشارات دراک، تهران، چاپ هفتم (ویراست جدید با اصلاحات).
۷. ژانرو، مونیک شمیلیه. (۱۳۸۲). بشریت و حاکمیت‌ها سیری در حقوق بین الملل، ترجمه مرتضی کلانتریان، نشر آگه، تهران، چاپ اول.
۸. ساعد وکیل، امیر، عسکری، پوریا. (۱۳۸۳). نسل سوم حقوق بشر حقوق همبستگی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.



۹. طباطبایی مومنی، منوچهر. (۱۳۹۴). آزادی های عمومی و حقوق بشر، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ ششم.
۱۰. طباطبائی مومنی، منوچهر. (۱۳۹۵). حقوق اداری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران، چاپ بیستم.
۱۱. امید زنجانی، عباسعلی، موسی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۹). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۲. فلسفی، هدایت الله. (۱۳۹۰). صلح جاویدان و حکومت قانون دیالکتیک همانندی و تفاوت، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم، تهران، چاپ اول.
۱۳. قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۸۲). حقوق بشر در جهان معاصر دفتر اول درآمدی بر مباحث نظری مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۴. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل. (۱۳۹۸). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، نشر میزان، تهران، چاپ پانزدهم.
۱۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ هشتاد و دوم.



۱۶. گرجی ازندریانی، علی اکبر. (۱۳۹۶). مبانی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، جاودانه، تهران. چاپ ششم.
۱۷. گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلا. (۱۳۸۶). دانشنامه ی مشاهیر حقوق، انتشارات جاودانه، جنگل، تهران، چاپ اول.
۱۸. لگراند، آندره، وینه، سلین. (۱۳۹۸). حقوق عمومی جلد دوم: حقوق اداری فرانسه، ترجمه روح ا... موذنی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۱۹. موسی زاده، ابراهیم، براری، اکبر. (۱۳۹۵). مبانی، کلیات، تحولات تاریخ حقوق عمومی تحت اشراف سید محمود هاشمی شاهرودی، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۲۰. مهرپور، حسین. (۱۳۷۷). نظام بین المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول، تهران.
۲۱. میر عباسی، سید باقر، میر عباسی، رزی. (۱۳۹۵). جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق های بشری از منظر حقوق بین الملل، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، تهران.
۲۲. نقیبی مفرد، حسام. (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول.
۲۳. هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران جلد دوم حاکمیت و نهادهای سیاسی، نشر میزان، تهران، چاپ بیست و هشتم با تجدید نظر کامل (ویرایش ششم).



ب) منابع لاتین

۱. *Clements, Richard & Jones, Philips. (2011). Questions & Answers public Law, Oxford University Press, Sixth Edition.*
۲. *Sueur, Andrew Le & sunkin, Maurice. (1997). Public Law, Longman London and New york, first Published.*
۳. *Wallington, Peter & Lee, Robert G, (2004). Blackston's Statutes Public Law & Human Rights 2004-2005, Oxford University Press, Fourteenth Edition.*